

حوزه نجف،

داشته‌ها و بایسته‌ها

سید حمیدرضا حسنی - مهدی علی‌پور

حوزه علمی نجف اشرف از کهن‌ترین، شاداب‌ترین و تأثیرگذارترین مراکز علمی اسلام و بلکه مراکز علمی جهان به شمار می‌رود که بازشناسی، آسیب‌شناسی و حفظ و احیای آن از اهم وظایف عالمان، دست‌اندرکاران و دغدغه‌مندان جهان اسلام - به خصوص جهان تشیع و حوزه‌های علمی آن - است. نوشتار حاضر، ضمن نگاهی کوتاه به تاریخ تشکیل این حوزه عظیم - که معطر به شمیم ولایت علوی (ع) است - به بررسی اجمالی وضعیت و ویژگی‌های آن خواهد پرداخت تا هم شناسایی مختصری برای علاقه‌مندان باشد و هم با آسیب‌شناسی و تبیین اوضاع حاکم بر آن، اسباب و تمهیدات لازم برای احیای آن، فراروی دین‌مداران قرار گیرد.

تأسیس حوزه علمی نجف

بی‌تردید، ورود شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ) به نجف، نقطه عطفی در شکل‌گیری و پختگی حوزه علمی نجف به شمار می‌رود؛ اما در این‌که وی مؤسس حوزه نجف بوده یا قبل از ورودش به این شهر، حوزه نجف دایر بوده است،^۱ دو دیدگاه وجود دارد که به نظر می‌رسد شواهد تاریخی، مؤید دیدگاه نخست است و تاریخ ورود شیخ به نجف در سال ۴۴۸ هجری قمری (۱۰۲۷ میلادی) را باید تاریخ تأسیس حوزه علمی نجف به شمار آورد.^۲

در قرن چهارم و پنجم هجری، قم و ری از یک سو و بغداد از دیگر سو دو قطب علمی عالم تشیع به شمار می‌رفتند. کلینی، شیخ صدوق و پدرش و ابن قولویه از چهره‌های معروف حوزه قم و شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی قطب‌های علمی حوزه بغداد بودند. باید علت رشد و شکوفایی حوزه علمیه بغداد را حضور و حکومت آل بویه در سال‌های ۳۲۱ تا ۴۴۷ هجری در عراق دانست؛ زیرا آل بویه، شیعه و عالم پرور بودند و در گسترش علوم اسلامی نقش به‌سزایی ایفا کردند. پس از بر افتادن حکومت ابن‌خاندان، ورود طغرل بیک سلجوقی به بغداد در سال ۴۴۷ هـ، ایجاد فتنه و آشوب بین شیعیان و اهل سنت، وقوع خونریزی‌ها و به‌آتش کشیده شدن حرم مطهر کاظمین - علیهما السلام - حوزه بغداد رو به افول گذارد.^۳

شیخ طوسی در سال ۴۴۸ هـ، به دلیل تخریب و آتش‌سوزی منزلش در بغداد، رحل اقامت در نجف افکند و به این ترتیب، حوزه علمیه نجف بنا نهاده شد. وی حدود ۱۲ سال در این شهر زیست و در سال ۴۶۰ هـ، وفات کرد. از آن تاریخ تا کنون حوزه علمیه نجف - جز برخی ادوار کوتاه تاریخی - مرکز با نشاط و پر اقتدار علوم اسلامی شیعی بوده و صدها متفکر، محقق و مرجع دینی را به عالم اسلام ارائه داده است که هر یک تأثیر فراوانی بر جوامع اسلامی و فرهنگ بشری گذارده‌اند به طوری که بی‌هیچ مبالغه و گزافه‌گویی و از روی انصاف باید گفت که نجف از مهم‌ترین مراکز علمی جهان در تاریخ هزار ساله اخیر بوده است.

عالمان بزرگ حوزه علمیه نجف

عظمت و اقتدار علمی شیخ طوسی، حوزه علمیه نجف را به خضوع و اذیت داشت. تاریخ‌نویسان، این خضوع و تبعیت را «دوران مقلده» خوانده و از آن به دوره فترت و رکود علمی نجف یاد کرده‌اند؛ چرا که غالب عالمان این دوره از مقلدان شیخ بوده‌اند. سرانجام این دوره فترت با زمینه‌سازی عالمانی نظیر ابن‌زهره (۵۱۱-۵۸۵ هـ)، سدیدالدین حمصی، ابی‌الصلاح حلبی و با دست‌توانی ابن‌ادریس حلی (۵۴۳-۵۹۸ هـ) خاتمه یافت و دوران جدیدی از رشد و شکوفایی اجتهاد دینی در حوزه نجف و نیز حله آغاز شد.

محققان ارجمندی نظیر محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ هـ)، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ هـ)، فخرالمحققین، فاضل مقداد، شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵ هـ) و شیخ حسن صاحب‌معالم (۹۵۹-۱۰۱۱) در ثمردهی و استواری این حرکت جدید که تا ظهور اخباریان در اوایل قرن یازدهم - یعنی بیش از ۴۵۰ سال - ادامه یافت، نقشی محوری ایفا کردند.





ظهور اخباری گری، موجبات ضعف اجتهاد را پدید آورد و تمرکز علمی حوزه را به سمت کربلا سوق داد. گرچه در این دوران اجتهاد دچار رکود شد، تألیف جوامع روایی نظیر بحار الانوار، الوافی، وسائل الشیعة، اثبات الهداة و تفسیر البرهان را می توان از میراث این دوره بر شمرد.

با ظهور وحید بهبهانی (۱۱۱۸ - ۱۲۰۵ هـ)، نهضت اخباری گری رو به افول گزارد و تحولات شگرف و اساسی در حوزه نجف روی داد. علامه بحر العلوم (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ هـ)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۵۶ - ۱۲۲۸ هـ)، سید علی طباطبایی صاحب ریاض (۱۱۶۱ - ۱۲۳۱ هـ)، میرزای قمی (۱۱۵۰ - ۱۲۳۱ هـ)، سید محسن اعرجی کاظمی (۱۲۴۲ هـ)، سید محمد مجاهد فرزند صاحب ریاض، شریف العلماء (۱۲۴۵ هـ)، شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه (۱۱۸۵ - ۱۲۴۸ هـ)، شیخ محمد حسین اصفهانی صاحب فصول (۱۲۶۱ هـ)، سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط (۱۲۶۶ - ۱۲۱۴ هـ) و سرانجام شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ هـ) را باید از درخشان ترین عالمان دینی نجف نام برد که بعد از اخباریان سهم بسیاری در شکوفایی این حوزه داشتند.

شاید بتوان شیخ انصاری را که آثار نهضت علمی او را تا امروز شاهد هستیم، آغاز کننده دوران جدیدی از نوآوری و پویایی اجتهاد علمی در حوزه علمیه نجف به شمار آورد. پس از شیخ انصاری، میرزای شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ هـ)، میرزای رشتی (۱۲۳۴ - ۱۳۱۲ هـ)، شیخ هادی طهرانی (۱۲۵۳ - ۱۳۲۱ هـ)، آخوند خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ هـ)، میرزای نائینی (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ هـ)، آغا ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸ - ۱۳۶۱ هـ) و شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶ - ۱۳۶۱ هـ) از مهم ترین میراث داران شیخ انصاری هستند که حوزه نجف را به اوج شکوفایی طلایی خود رساندند.

در دوران معاصر نیز باید از شخصیت های علمی، نظیر آیت الله سید ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷ - ۱۴۱۳ هـ)، امام خمینی (۱۳۲۰، ۱۴۱۰ هـ) و شهید سید محمد باقر صدر (۱۳۵۳ - ۱۴۰۰ هـ) نام برد. بی شک اگر تسلط حزب بعث بر عراق و تلاش گسترده آنان در اضمحلال و نابودی حوزه نجف نبود، امروز با دریایی از شکوفایی، اعتلا و اقتدار علمی در این حوزه شریف رو به رو بودیم.

مراکز علمی حوزه علمیه نجف

حوزه علمیه نجف اشرف که تاثیر شگرفی در عالم اسلام داشته، محل پیدایش تمدن عظیم شیعی و بالندگی علوم اسلامی بوده و دیدگان بسیاری را به خود خیره ساخته است. جای بسی شگفتی است که این مکان پر هیبت، با فقدان مراکز علمی مجهز و نبود مدارای بزرگ و منسجم آنچه را تولید کرده

از دانشمندان و مجتهدان شیعه گرفته تا آثار گران سنگ و موسوعه های بزرگ - همگی در دل ساختمان های کوچک و گاه مخروبه مانند و در کوچه پس کوچه های تنگ و تاریک این شهر بوده است. افزون بر این، مساجد قدیمی - اما مبارک - شهر را نیز باید نام برد که محل درس بزرگان و دانشمندان سترگی بوده که اینک جای خالی آن ها به وضوح احساس می شود. کتابخانه های کوچک و بزرگ این شهر را نیز باید به این جمع افزود. شاید همه آنچه که در این شهر بدون هر گونه نظم و انسجامی در کنار هم قرار گرفت و به حوزه علمی نجف اشرف اشتها یافت، به اندازه امکانات یک دانشگاه متوسط نمی شد! ولی مرحبا به این همه همت و تلاش و اخلاص!

در این بخش به اختصار نام و مشخصات برخی مکان های پر رونق علمی شهر نجف اعم از مدارس، مساجد و کتابخانه ها را که در گوشه و کنار این شهر نورانی وجود داشته است، بر می شمیریم. گفتنی است، پاره ای از این مراکز، به دلیل فرسودگی از میان رفته و پاره دیگر را عاملان رژیم سابق به بهانه های گوناگون ویران کرده اند.

الف. مدارس

از جالب ترین نکاتی که در مورد مدارس حوزه علمی نجف باید به آن توجه شود، این است که صحن شریف حضرت امیر (ع) خود یکی از مدارس حوزه علمی نجف بوده و از آن به «مدرسه الصحن الکبری» یاد می شده است. این مدرسه را شاه صفی در سال ۱۰۴۲ هـ (۱۶۲۱ میلادی) در صحن شریف بنا نهاده و دارای دو طبقه است. صحن شرقی و شمالی آن هر کدام ۱۵ حجره دارد و دو صحن غربی و جنوبی آن هر کدام دارای ۱۴ حجره است. به طبقه فوقانی این حجرها، مدرسه صحن و به حجره های شمالی آن مدرسه غرویه می گفته اند.^۴

برخی دیگر از مدارس مهم و تاریخی نجف عبارتند از:

۱. مدرسه مرتضویه که سید حیدر آملی در آن ساکن بوده است؛
۲. مدرسه مقداد سیوری یا مدرسه سلیمیه^۵، ساخته صاحب کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن از شاگردان شهید اول؛

۳. مدرسه ملا شیخ عبد الله^۶ که اکنون خراب شده است؛

۴. مدرسه کاشف الغطاء که مزار خاندان کاشف الغطاء هم در آن جا است؛^۷

۵. مدرسه شیخ مهدی که آن را شیخ مهدی بن شیخ علی آل کاشف الغطاء در سال ۱۲۸۴ هـ،





بناموده و پشت مسجد شیخ طوسی واقع است. این مدرسه، اکنون مدرسه مهدیه نام گرفته است؛
 ۶. مدرسه قوام که در سال ۱۳۰۰ هـ، قوام الملک فتحعلی خان شیرازی آن را در کنار مدرسه
 شیخ مهدی ساخت و اکنون به مدرسه رسول اعظم نامیده شده و مرکز اداره مدارس حوزه علمیه
 نجف است؛

۷. مدرسه ایروانی که حاج مهدی ایروانی در سال ۱۳۰۷ هـ، آن را مخصوص طلاب ترک زبان ساخت؛
 ۸. مدرسه قزوینی که آن را حاج محمد آغا امین قزوینی در سال ۱۳۲۴ هـ، بنا نهاد؛
 ۹. مدرسه بادکوبی که حاج نقی بادکوبی در سال ۱۳۲۵ هـ، بنا کرد؛ ولی در سال ۱۳۸۳ هـ،
 با احداث خیابان زین العابدین (ع) این مدرسه تخریب شد؛

۱۰. مدرسه هندی که در شمال مدرسه قوام واقع شده و مخصوص طلاب هندی است؛
 ۱۱. مدرسه شریانی که در سال ۱۳۲۷ هـ، به دست مرحوم فاضل شریانی در محله حویش بنا شد؛
 ۱۲. مدارس صفیره و کبیره حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی که در سال ۱۴۱۲ هـ، به دست
 بعضی ها تخریب شد.

۱۳. مدارس سه گانه کبرا، وسطا و صغرای آخوند خراسانی که به ترتیب در سال های ۱۳۲۱،
 ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ هـ، بنا شده اند؛

۱۴. مدرسه سید کاظم یزدی که در سال ۱۳۲۵ هـ، بنا شده و از معماری بسیار زیبا و هنری
 برخوردار است؛

۱۵. جامعه النجف الاشرف که مرحوم کلانتر آن را در سال ۱۳۸۲ هـ، ساخت. این مرکز که
 در اطراف نجف و در مسیر کوفه واقع است ۵ هزار متر مربع مساحت دارد و دارای ۴ طبقه، ۲۸۰
 حجره، ۳ مدرس و کتابخانه است.^۸

۱۶. مدارس کبرا و صغرای مرحوم آیه الله بروجردی؛

۱۷. مدرسه بخاری؛

۱۸. مدرسه شبریه.

ب. مساجد

از دیگر مراکز علمی شهر نجف مساجد بوده که محل پر رونقی برای درس و بحث های علمی
 به شمار می رفته است. پاره ای از این مساجد عبارتند از:

۱. جامع شیخ طوسی؛
۲. مسجد خضراء (در داخل حرم شریف)؛
۳. مسجد شیخ انصاری؛
۴. مسجد هندی؛
۵. مسجد عمران (در داخل حرم شریف).

ج. کتابخانه ها

دسته ای از کتابخانه های مهم شهر نجف به این شرح است:

۱. کتابخانه امیر المؤمنین (ع) (علامه امینی)؛
۲. کتابخانه آیت الله حکیم؛
۳. کتابخانه امام حسن مجتبی (ع)؛
۴. کتابخانه آغا بزرگ تهرانی؛
۵. کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی (کتاب های آن به مدرسه قوام منتقل شده است)؛
۶. کتابخانه مدرسه سید یزدی.

مزیت ها و کاستی های حوزه نجف

الف. مزیت ها

حوزه علمیه نجف اشرف به مثابه کهن ترین، مؤثرترین و پر حجم ترین فضای آموزشی- پژوهشی در علوم دینی از ویژگی هایی برخوردار است که دیگر حوزه ها یا فاقد آن بوده اند و یا نصیب بسیار کمی از آن برده اند. ویژگی های حوزه دیر پای نجف اشرف به درجه ای است که دیگر حوزه ها، توان مقایسه با این مرکز عظیم را نمی یابند. این ویژگی های منحصر به فرد- یا کم نظیر- را می توان در نمونه های زیر شماره کرد:

۱. وجود حرم شریف باب مدینه العلم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)؛ بی شک خیر و برکت چنین قطب بی بدیلی از طرق مختلف به حوزه علمیه نجف اشرف و محققان و علمای آن در طول این سالیان دراز رسیده است. یقیناً علت اصلی این معنویت عجیب و کم نظیر، وجود حرم مطهر علوی است. همچنین وجود ابدان طاهر برخی انبیا نظیر: آدم، نوح، هود و صالح و دیگر





اجساد پاکان و اولیای الهی، در ایجاد این نورانیت تاثیر گذار بوده است.

۲. قوت آموزش و پژوهش؛ وجود استادان زبردست و ماهر و فراوانی پژوهشگران ژرف کاو - به ویژه در حیطه های فقه، اصول، رجال، تراجم و ... - توانایی آموزشی و پژوهشی این حوزه را منحصر ساخته است.

۳. تالیف و تصنیف؛ آثار گران سنگ بسیاری در عرصه های گوناگون علوم اسلامی پدید آمده اند که بسیاری از آن ها چاپ نشده اند و زمینه پیدایش گنجینه های گرانبها و بی بدیلی را در کتابخانه های عمومی و شخصی نجف اشرف ایجاد کرده اند. بنا به گفته برخی محققان آگاه، نسخه های خطی در نجف اشرف، بسیار بیشتر از آثار به چاپ رسیده است^۹.

۴. آزادی انتخاب استاد، مکان و زمان درس؛ البته این ویژگی تا حدی در حوزه های دیگر همچون قم رعایت شده است.

۵. کم بودن شمار روزهای تعطیل؛ وضعیت درسی در حوزه نجف به گونه ای بوده که حتی در تابستان ها نیز درس برقرار بوده است.

۶. پرورش مجتهد و عالمان و مراجع طراز اوک؛ از ویژگی های بارز حوزه علمی نجف که در طول قرن ها ادامه داشته، تربیت و پرورش عالمان و مجتهدان برجسته است. از این جهت می توان حوزه نجف را به کارخانه مولد مجتهد تشبیه کرد. چه آن که نه تنها غالب مراجع شیعیان همواره از آن جا برخاسته اند، بلکه عالمان و مجتهدان دیگر نیز برای رفع نیاز عالم تشیع در این حوزه رشد کرده و از آن جا فارغ التحصیل می شدند.

۷. الگوی سایر حوزه ها؛ حوزه نجف همواره الگو و نوع نمون حوزه های علمی دیگر در جهان تشیع به شمار می رفت. بسیاری بر این باورند که حوزه علمی قم با وجود گستردگی بسیار و یکه تازی، نیازمند توجه به دوران طلایی حوزه علمی نجف و الگوگیری از روش کار آن حوزه می باشد.

۸. زهد و پارسایی؛ سادگی، بی آرایش و دنیا گریزی دانش آموختگان حوزه نجف و تمحض آنان در کار علمی یکی دیگر از مزایای بارز این حوزه به شمار می رفت.

مزایای مذکور، همراه بسیاری موارد دیگر که مجال پرداختن به آن ها نیست، همگی دست به دست هم داده و دورانی سبز و زیبا از تمدن بی بدیل اسلام شیعی را به جهان اندیشه و اخلاق عرضه نموده اند.

ب. کاستی ها

در کنار آنچه گفته شد که البته یک از هزار بیش نبود، بی توجهی و نادیده انگاشتن پاره ای از نقص های این حوزه بزرگ که البته در مقابل محاسن آن چندان به شمار نمی آید، منصفانه نمی نماید.

شناخت این نقایص، هم در طراحی نظام آموزشی- پژوهشی حوزه های علمیه دیگر به کار می آید و هم در بازخوانی صحیح نظام قدرتمند حوزه نجف- پیش از ضعف و فتور فعلی- یاری می دهد. این شناخت کمک می کند تا در طرح بازسازی حوزه نجف، ضعف های گذشته را به حال خویش و نگذاشته و دوباره تکرار نکنیم.

در این بخش از نوشتار، تنها به ذکر پاره ای نقص ها یا کمبودهای این حوزه اشاره می شود و چون مجال واسعی در میان نیست، امیدواریم تا در جایی دیگر آن ها را به تفصیل در آورده و به درستی مورد سنجش و تحلیل قرار داده و به نقد کشیم.

۱. تک ساحتی بودن حوزه نجف؛ شاید بتوان ادعا کرد که جریان غالب در حوزه علمیه نجف از بدو تاسیس تاکنون و به خصوص در دوران اخیر که این حوزه را به ضعف و فتور دچار نموده است، تمرکز اکثریت محققان به رشته ای خاص؛ یعنی فقه و اصول و غفلت از دیگر رشته های علوم اسلامی همچون: اخلاق، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی، عرفان نظری، تفسیر قرآن و حدیث می باشد. البته نمی توان انکار کرد که با وجود چنین جریان غالبی، همواره اندیشمندانی بودند که به رشته های دیگر روی آورده و در آن رشته سرآمد می شدند و گاه آثار بسیار ارجمندی نیز در آن زمینه ها از خود به یادگار می گذاشته اند.

۲. رکود در سایر رشته های علوم اسلامی؛ به تبع غفلت از دیگر رشته های علوم اسلامی و توجه خاص به فقه و اصول، سایر رشته ها در حوزه علمیه نجف- به نوعی- دچار ضعف و رکود بودند.

۳. ضعف سیستم آموزشی؛ نبود برنامه آموزشی منسجم و ضعف در اسلوب آموزشی، از دیگر کاستی های این حوزه به شمار می آید.

۴. فقدان حرکت های جمعی پژوهشی؛ در حوزه نجف، بیشتر کارهای فردی رایج بود و کمتر تفکر جمعی در آن راه یافت.



احیا و بازسازی حوزه نجف

احیای حوزه نجف، قصه دلکش دیگری است که ذهن بسیاری از ژرف بینان را به خود مشغول داشته است. بی شک، هر علاقه مند به تمدن و فرهنگ اسلامی از فتور و فترت ایجاد شده در این دانشگاه بزرگ عالم تشییح سخت متأسف است و تفکر بازسازی آن، شوق درونی او است؛ خاصه الآن که اسباب و علل آن فراهم شده است. ما نیز همگام و هم سخن با این دانش دوستان، به این بازسازی و احیا، سخت باور داریم؛ اما بر این گمانیم که خطرهای جدی ای در کمین است و نا آگاهی یا غفلت از آن ها خود خطر دیگری است. از این رو، باید به هوش بود و از سرفطانت به تحلیل و سنجش مسئله پرداخت و لایه های بیرونی و درونی چنین کاری را در کنار هم نگریست و از بافت های روئین به نفع لایه های درونی دست نکشید و بنیادهای زیرین را به نفع لایه های سطحی و بیرونی به کناری نینداخت. به این منظور لازم است مطالعاتی ضروری در سه سطح انجام گردد:

۱. مطالعه وضعیت آموزشی حوزه نجف در طول دوران طلایی؛ چرا که زمینه سازی و تمهید دانش پژوهان علوم اسلامی در این سطح انجام می گرفت و اساتید برجسته و محققان ارزنده از این جایگاه هدایت می شده اند.

۲. جایگاه شناسی پژوهشی در حوزه نجف که تبلور و تجلی آخرین دستاوردهای آن حوزه و زمینه ساز نظریه پردازی های کلان در علوم اسلامی به شمار می رفت.

۳. مطالعه در موجودیت کلان آموزشی و پژوهشی حوزه نجف در تعامل با فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن روز دنیای اسلام؛ بی شک این مطالعه، سرنخ هایی را در چگونگی پیدایی تمدن عظیم شیعی و حفظ آن تمدن ارزنده در طول قرون، به دست خواهد داد.

نیازها و ابزار لازم برای این حرکت سه لایه ای که در نهایت منجر به بینش صحیح جهت اصلاح، بازسازی و احیای دانشگاه عظیم اسلامی نجف اشرف خواهد شد، بسیارند که پاره ای از آن ها به شرح زیر است:

۱. تسلط بر تمامی جریانات روشنفکری و اصلاح گرایانه در حوزه علمی نجف در طول دوران شکوفایی این حوزه و به ویژه در دوره متاخر. این کار، خود نیازمند ابزار ذیل است:

الف. آشنایی با جریانات اصلاح ساختاری در حوزه علمی، همچون: حرکت های اصلاحی که منجر به تأسیس «جامعه النجف الاشرف»، «دارالحکمة» و مهاجرت پاره ای از علمای نجف به



کربلا و راه اندازی حوزه های نوین در آن شهر شد.

ب. آشنایی با جریانات اصلاح محتوایی در علوم اسلامی که محققانی همچون: علامه محمد جواد مغنیه، شیخ بلاغی، آیت الله میلانی، شهید سید محمد باقر صدر، شیخ محمد رضا مظفر و دیگران در صدر آن بودند.

ج. نهضت اصلاح کتب آموزشی که نمونه هایی از آن را می توان در آثار شیخ محمدرضا مظفر، سید محمد باقر صدر، عبدالهادی الفضلی و دیگران دید.

د. آشنایی با مدارس علمیه نجف و فعالیت های آن ها.

۲. آشنایی کامل با تشکل های سیاسی- فرهنگی که در آن حوزه پیدا شد؛ همچون: تشکل «جماعة العلماء».

۳. انجمن های ادبی در نجف اشرف که بیشتر اعضای آن از فضلا و محققان شاعر و ادیب حوزه علمیه بوده اند.

۴. توصیف و تحلیل آخرین وضعیت علمی حوزه علمیه نجف در آخرین دوره و نسل این حوزه.

۵. در دست داشتن آمار دقیق آخرین اطلاعات علمی- پژوهشی و محققان آن حوزه.

۶. تبیین و سنجش وضعیت اخلاقی حاکم بر حوزه علمیه نجف اشرف.

۷. آگاهی از وضعیت معاشی و سیستم اقتصادی حوزه علمیه نجف.

۸. آشنایی با بافت اجتماعی حوزه نجف.

آنچه ذکر شد، تنها بخشی از نیازهای لازم و ابزار مورد نیاز جهت ارائه طرحی جامع به شمار می رود که ناظر به همه سطوح و لایه ها است. در کنار این، باید به تعامل دو حوزه قم و نجف نیز توجه کرد. اکنون که حوزه علمیه قم- به برکت فضای آرام موجود- به گسترش کمی و رشد کیفی نسبتاً قابل قبولی دست یافته است، لازم است که از دستاوردها، تجربه ها و بالاخره کامیابی ها و ناکامی های آن در احیا و تجدید ساختار حوزه نجف بهره برده شود تا همسویی و همفکری این دو حوزه به کمال برسد.

دشواری های کنونی حوزه نجف

امروزه که عراق به مشکلات جدی مبتلا است و بی ثباتی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر آن حاکم است، شهر نجف- به ویژه حوزه علمیه آن- نیز از این معضلات مستثنا نیست. پاره ای از مشکلات فعلی که به دلایل مختلف در حوزه علمیه نجف ایجاد شده و عملاً آن را از حوزه ای فعال خارج



ساخته، به این شرح است:

۱. نبود امنیت اجتماعی و سیاسی؛
 ۲. نامساعد بودن وضعیت معیشتی طلاب؛
 ۳. نبود بافت اجتماعی - فرهنگی مناسب و یک دست؛
 ۴. کمبود مراکز تحقیقاتی و آموزشی مطلوب؛
 ۵. فقدان مدیریت واحد برای حوزه علمیه؛
 ۶. بحران هویت طلاب و نبود نشاط علمی برای تحقیق و تعلم؛
 ۷. نبود نظام آموزشی مشخص و کارشناسی شده؛
 ۸. نبود نظام پژوهشی مشخص و مطلوب و بی اطلاعی از آخرین دستاوردهای پژوهشی؛
 ۹. نداشتن اساتید زبردست در رشته های مختلف علوم اسلامی؛
 ۱۰. کمبود امکانات مالی جهت احیای تراث و گنجینه های گران سنگ علمای شیعه.
- امید است که با برنامه ریزی منسجم و یاری گرفتن از سایر مراکز علمی، آرام آرام زمینه احیای دوباره این میراث بزرگ مهیا گردد.



□ پی نوشت ها:

۱. الخلیلی، جعفر، موسوعة العتبات المقدسة، ج ۷: الغروی، محمد، مع علماء النجف الاشرف، ج ۱.
۲. صدر، سید محمد باقر، المعالم الجديدة الاصول، ص ۶۴-۶۶.
۳. تاریخ ابن الاثیر، ج ۸، ص ۶۵؛ غروی، سید محمد، مع علماء النجف الاشرف، ج ۱، ص ۸۷.
۴. غروی، سید محمد، الحوزة العلمية فی النجف الاشرف، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.
۵. آل محبویه، جعفر بن الشیخ باقر، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۲۶.
۶. همان.
۷. همان، ص ۱۲۸.
۸. غروی، سید محمد، مع علماء النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۸-۵۵؛ آل محبویه، جعفر بن الشیخ باقر، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۴۷.
۹. گفت وگو با دکتر عباس کاشف الغطا که در همین شماره چاپ شده است.